



ایجاد اعتدال در بخش کشاورزی به عزم ملی و مدیریت جهادی نیاز دارد

بخش کشاورزی با عنایت به سهم ۱۴/۲ درصد ارزش افزوده از تولید ناخالص داخلی، ۲۴ درصد اشتغال و ۳۵ درصد صادرات غیرنفتی، تأمین کننده ۹۰ درصد مواد اولیه صنایع کشاورزی و غذائی کشور و استعدادهای بالقوه‌ای نظیر ۴۰۰ میلیارد متر مکعب نزولات آسمانی و ۳۰۰۰ کیلومتر مرز دریائی و ۳۰ میلیون هکتار اراضی قابل کشت و ۱۲ میلیون هکتار اراضی جنگلی و ۹۰ میلیون هکتار مرتع و بیش از ۴/۳ میلیون بهره بردار بخش و تولیداتی بیش از ۱۰۰ میلیون تن و ورود سالیانه بیش از ۲۰ هزار دانش آموخته کشاورزی و منابع طبیعی از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ملی برخوردار است.

انتظار می رود با عزم ملی و مدیریت جهادی، اعتدال مورد نظر دولت در بخش کشاورزی نیز بر اساس ایجاد تعادل که سال هاست به فراموشی سپرده شده است انجام گرفته و به زیرساخت های مهم و اساسی از قبیل توسعه و گسترش سیستم های آبیاری تحت فشار، توسعه و گسترش مکانیزاسیون کشاورزی، ارتقای سطح کمی و کیفی تولیدات کشاورزی، ارتقای سطح دانش و گسترش فناوری های نوین، حفظ و پایداری محیط زیست و منابع پایه تجدید شونده، تخصیص بودجه برای تحقیقات کشاورزی، تلاش برای دستیابی به بذور اصلاح شده، صدور خدمات فنی و مهندسی کشاورزی، حذف واسطه گری بازار محصولات کشاورزی و ... بپردازد.

در این راستا به نظر می رسد لازم و ضروری باشد که مسؤولین، متخصصین و صاحب نظران بخش های دولتی و خصوصی با عزم ملی و با اجماع به بررسی همه جانبه موضوع پرداخته و نتایج را به صورت یک سند قابل اجرا به دولت ارائه نمایند و این یک ضرورت است، چرا که در غیر این صورت این نگرانی وجود دارد که بخش کشاورزی در این حوزه فراموش شده و بی آنکه خود نقشی داشته باشد در مورد آن تصمیم گیری شود.

مدیر مسؤول

با وجودی که در سده اخیر گام هایی در توسعه صنعتی ایران برداشته شده، اما همچنان بخش کشاورزی به طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه اصلی فعالیتهای اقتصادی بسیاری از ساکنان کشور ما را تشکیل داده است و علی رغم اینکه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در هر یک از برنامه های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه، همواره از کشاورزی به عنوان محور توسعه نام برده شده، اما توجه کافی نسبت به جذب بیشتر سرمایه و استفاده مناسب از ظرفیت های موجود در این بخش نشده است. بر اساس آمار و اطلاعات ارائه شده در نامگرهای اقتصادی توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی (GDP) ۱۴/۲ درصد و سهم آن در کل سرمایه گذاری کشور ۴/۲۱ درصد بوده است و این نشانگر این است که نگرش و شعار "کشاورزی محور خودکفایی و استقلال کشور" علی رغم تأکید بزرگان کشور، در عمل و اجرا و برنامه ریزی اقتصادی کشور نه تنها رعایت نشده، بلکه تحت تأثیر سایر بخشهای اقتصادی کشور نیز قرار گرفته است.

لازم است که اعتبارات و تسهیلات بانکی متوجه سرمایه گذاری و تهیه و تامین زیرساخت های تولیدات کشاورزی قرار گیرد و بانک مرکزی هم که در آخرین تصمیم گیری، هدایت ۲۵ درصد کل تسهیلات بانکی به بخش کشاورزی را تصویب کرده است، ساز و کاری نظارتی را تعریف کند که بانک های عامل موظف شوند تسهیلات مورد نظر را در اختیار بخش قرار دهند تا تعادل اقتصادی برقرار شده و به تبع انتظارات از بخش کشاورزی برآورد گردد.

بی شک تأمین نیازهای اولیه، عمده ترین عامل توجه نوع بشر به کشاورزی بوده است. کهنترین تمدن های باستانی در مناطقی از جهان شکل گرفته که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و زیست محیطی، در آنها فعالیت کشاورزی امکان پذیر بوده است. در حقیقت سایر بخش های اقتصادی به تدریج و با توجه به نیازهای بخش کشاورزی به وجود آمده است. نیاز به ابزار و آلات کشاورزی در توسعه صنعت و همچنین مبادله محصولات در توسعه بخش خدمات نقش مهمی بازی کرده است.

با اینکه پس از انقلاب صنعتی و حذف تدریجی نظام سیاسی اقتصادی فئودالیزم، بخش صنعت و عامل سرمایه ار اهمیت نسبی بیشتری در تولید برخوردار گردید، اما امروزه همچنان از این بخش به عنوان محور رشد و توسعه اقتصادی نام می برند. درجه کاربری کمابیش بالای بخش کشاورزی در مقایسه با بخش های صنعت و معدن و بنابراین توان اشتغالزایی، امکان کسب درآمد ارزی از طریق صادرات و همچنین صرفه جویی در مصارف ارزی در خصوص کاهش واردات محصولات کشاورزی، از طریق افزایش تولیدات داخلی، استراتژیک بودن برخی محصولات این بخش، فراهم آوری برخی داده های مورد نیاز، به ویژه برای بخش های صنعت و خدمات و نیز بازاری برای ستانده سایر بخش ها از جمله دلایل اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ملی می باشد.